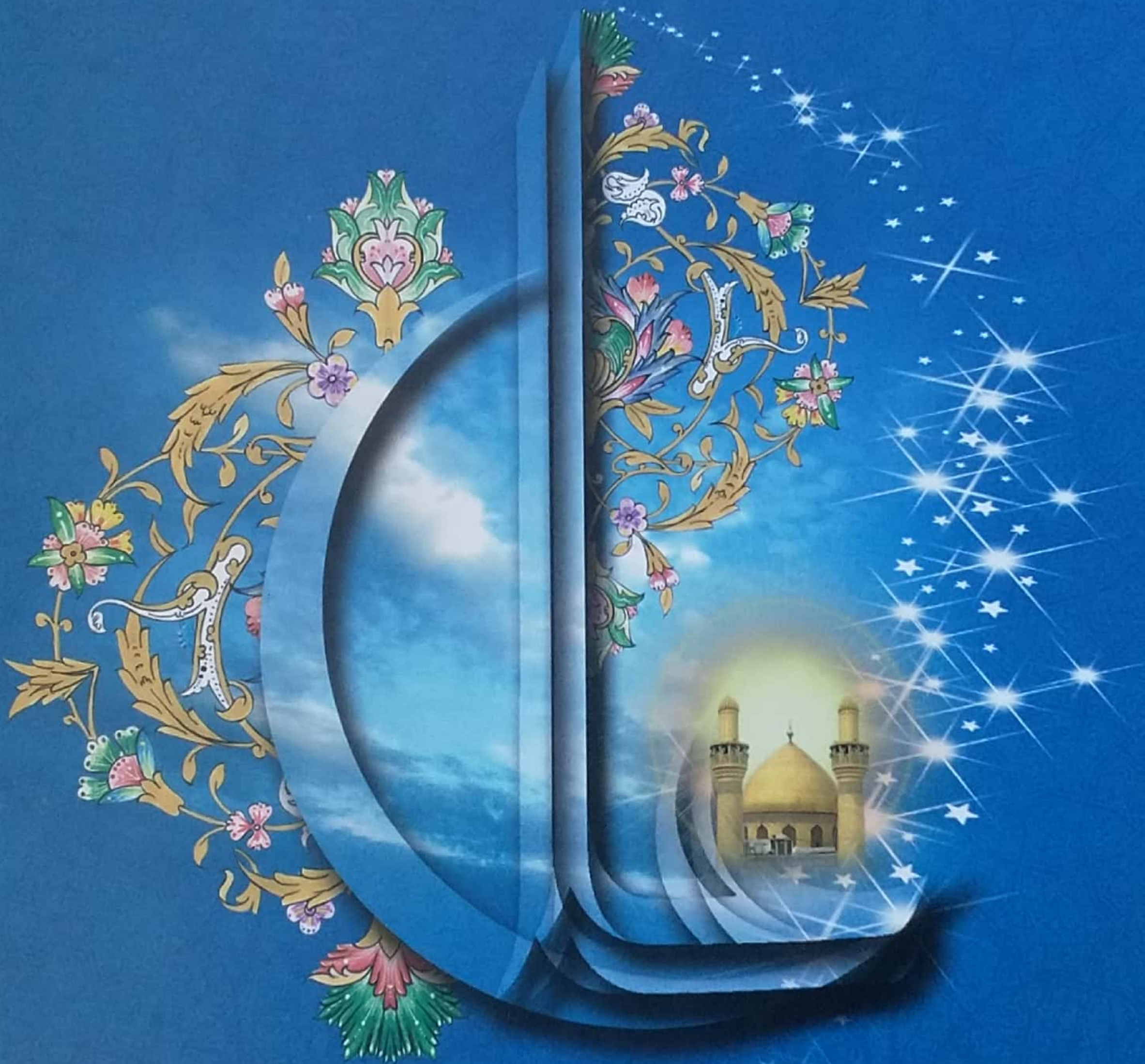
ترجمه

اللوامع النورانية

في أسماء عليّ وأهل بيته عليهم السلام القرآنية



علامه محدّث ومفسر بزرگ سيد هاشم حسيني بحراني

مترجم: سيد غريب موسوی مهر

پرهیزکاران است}. می‌فرماید: مقصود از کتاب در این آیه شریفه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که در آن هیچ شکی نیست ﴿هُدًى لِلْمُتَّقِينَ﴾ و مقصود از ﴿مُتَّقِينَ﴾ {پرهیزکاران} در این آیه شریفه شیعیان ما می‌باشند. ﴿الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ {(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند}[1]. فرمود: به آن چرا که به آنان آموخته‌ایم خبر می‌دهند.[2]

۴/۲۳: شیخ برسی روایت کرده با استناد که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در خطبه‌ای فرمود: همانا کلیدهای پنهان و غیب در اختیار من است، که هیچ کس بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن آگاه نیست مگر من. همانا من ذوالقرنینی هستم که در کتابهای پیشین (صحف الاولی) یاد شده‌ام. من صاحب انگشتری حضرت سلیمان علیه‌السلام هستم. من صاحب و سرپرست نیکوها هستم.[3] من صاحب پل صراط و توقفگاه هستم. همانا به اذن خداوند تبارک و تعالی، من تقسیم کننده بهشت و جهنم هستم. من آدم اول هستم، من نوح اول هستم، من نشانه خداوند جبار هستم، من حقیقت اسرار و رازها هستم، من به اذن پروردگارم برگ دهنده و سرسبزکننده درختان هستم. من به اذن پروردگارم ثمره بخش و پدید آورنده میوه‌ها هستم. من به اذن خداوند تبارک و تعالی شکافنده چشمه‌ها هستم. من به اذن خداوند تبارک و تعالی جاری کننده رودهایم. من گنجینه علوم و اسرار هستم. من طومار و کتاب بردباری هستم. من کتاب حکمتهایم. من سرور و پادشاه مؤمنانم. من چشمه زلال حقیقت و یقینم. من حجّت و جانشین و نماینده خداوند در آسمانها و زمین هستم. من همان زلزله وحشتناک (راجفه) هستم. من صاعقه هستم. من ندای حقم. من همان ساعتی (الساعه) هستم که هر که آنرا تکذیب کند دچار عذاب الهی می‌شود. من همان کتابی هستم که شک و تردیدی در آن نیست. من همان نامهای نیک خداوند تبارک و تعالی هستم که خداوند دستور فرموده که او به آن نامهای نیک خوانده شود. من همان نور هدایت بخشی هستم که هدایت از آن گرفته شده است. من صاحب شیپور (صور) هستم. من به اذن خداوند تبارک و تعالی خارج کننده مردگان از قبرها هستم. من صاحب روز رستاخیز هستم. من یار و یاور حضرت نوح علیه‌السلام و نجات دهنده اویم. من یار و یاور حضرت ایوب علیه‌السلام هنگام امتحان و شفا دهنده او به اذن خدایم. من به اذن پروردگارم آسمانها را برپا کردم. من یار و یاور حضرت ابراهیم خلیلم علیه‌السلام. من راز پنهان حضرت موسی کلیمم علیه‌السلام. من نظر کننده در ملکوتم. من فرمان

---

۱ - سوره مبارکه بقره: آیه شریفه ۳

۲ - تفسیر عیاشی: ج۱ص۲۵ح۱

۳ - در کتابی که از آن نقل شده چنین آمده است: ﴿انا ولی الحساب﴾ یعنی من سرپرست و صاحب حساب یعنی حسابرس روز قیامت من هستم.

و دستور خداوندی هستم که زنده است و هرگز نمی‌میرد. من از جانب خداوند حق تعالی بر دیگر آفریده‌ها سرپرست هستم. همانا سخن در نزدم تغییرناپذیراست. حسابرسی آفریده‌ها از جانب خداوند در اختیار من است. من (از جانب خداوند) صاحب اختیار امور آفریده‌هایم. من جانشین و نماینده خداوند آفریدگار هستم. من راز پنهان خداوند در سرزمینهایش هستم. من حجّت خداوند بر بندگانش هستم. من دستور و فرمان خداوند و روح هستم که خداوند درباره آن می‌فرماید: ﴿وَ یَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّی﴾ {و از تو درباره روح سؤال می‌کنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است}[1].

من استوار کننده کوه‌های سر به فلک کشیده‌ام، من شکافنده چشمه‌های جوشانم، من درختان را کاشته‌ام و به اذن خداوند میوه‌های رنگانگ خارج کرده‌ام. من تقدیر کننده وقتهایم؛ من خارج کننده مردگانم، من نازل کننده قطرات بارانم، من درخشان کننده و نور دهنده خورشید و ماه و ستارگانم، من به اذن خداوند برپا کننده روز رستاخیزهستم.

من همان کسی هستم که خداوند اطاعت از او را واجب نموده است، من زنده هستم و هرگز نمی‌میرم (یعنی ذکر و یاد من همیشه هست) و اگر از دنیا رفتم نمی‌میرم، (یعنی به شهادت می‌رسم و کسی که به شهادت می‌رسد در نزد خداوند عزوجل زنده می‌باشد که مصداق آن این آیه شریفه است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ﴾ {(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند}.[2] من راز پنهان خداوند هستم، من به اذن خداوند به آن چرا که هست و آن چرا که خواهد بود آگاهم؛ من نماز و روزه مؤمنانم (شیعیان)، من سرور و رهبر و پیشوا و امام آنهایم، من صاحب برانگیختن اول و دوم هستم، من دارای مقامات و برتریها هستم،من صاحب ستارگان درخشانم، من عذاب کوبنده خداوندم، من نابود کننده متکبران اولم، من از بین برنده کشور طغیانگرانم، من صاحب زلزله ها و لرزه‌هایم، من صاحب کسوف و خسوفم، من نابودگر طغیانگران با شمشیرم، من همان کسی هستم که خداوند برای هدایت گمراهان نمایان گرداند ولی آنان وقتی که مرا دیدند انکار نمودند که خداوند درباره آنان می‌فرماید: ﴿فَلَمّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾ {و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند}.[3]

من نور نورهایم، من حامل عرش همراه نیکوکارانم، من صاحب کتابهای گذشته‌ام، من دروازه رحمت خداوند هستم که هرگز برای کسانی که آنرا تکذیب نموده‌اند باز نمی‌شود و هرگز طعم

---

۱ - سوره مبارکه اسراء: آیه شریفه ۸۵

۲ - سوره مبارکه آل عمران: آیه شریفه ۱۶۹

۳ - سوره مبارکه بقره: آیه شریفه ۸۹

بهشت را نمی‌چشند. من همان کسی هستم که رفت و آمد فرشتگان بر روی فرش خانه‌ام قطع نمی‌شود. من همان کسی هستم که بندگان سرزمینها و اقلیمها مرا می‌شناسند، من همان کسی هستم که خورشید برای من به اذن خداوند تبارک و تعالی دوبار بازگشت و دو بار سلام کرد. با رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو قبله نماز گذاردم و دو بار با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردم، من صاحب بدر و حنینم (یعنی من فاتح جنگ بدر و حنین هستم) من طورم، من کتاب نوشته شده‌ام (کتاب المسطور) من بیت المعمورم، من همان کسی هستم که خداوند بندگان را برای اطاعت و فرمانبری از من دعوت کرد ولی آنان کفرورزیدند و به کفرشان اصرار نمودند، آنان نابود و به هلاکت رسیدند و امّتی دعوت خداوند را به جان و دل پذیرفتند و به ولایتم ایمان آوردند و نجات یافتند همانا من همان کسی هستم که به لطف خداوند جل جلاله کلیدهای بهشت و جهنم در دست من است.

من همان کسی هستم که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در آسمان و زمینم، من مسیحم و هیچ روحی حرکت نمی‌کند و تنفس نمی‌کند مگر من، من صاحب قرنهای نخستینم، من ساکت (صامت) و حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ناطق است من همان کسی هستم که به اذن خداوند تبارک و تعالی حضرت موسی علیه السلام را از دریا نجات داد و فرعون و لشکریانش را در آن غرق کرده و به هلاکت رساند، و همانا من به اذن خداوند تبارک و تعالی زبان و سخن چهارپایان و درندگان و پرندگان و خزندگان و غیره را می‌دانم، همانا من به اذن خداوند تبارک و تعالی هفت آسمان و هفت زمین را در یک چشم به هم زدن راهپیمایی می‌کنم، من همان کسی هستم که به اذن خداوند متعال به زبان حضرت عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفتم، من همان کسی هستم که حضرت عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می‌گذارد، من همان کسی هستم که به اذن خدا و خواست خداوند تبارک و تعالی به هر چه که می‌خواهم تبدیل می‌شوم، من چراغ هدایتم، من کلید پرهیزکاریم، من آخرت و دنیایم؛ من به اذن خداوند تبارک و تعالی اعمال بندگان را می‌بینم، به اذن خداوند تبارک و تعالی من کلیددار و خزانه دار آسمانها و زمینم، من برپا کننده عدالتم، من برپا کننده دین الهی هستم، همانا هیچ عملی از کسی پذیرفته نمی‌شود مگر به ولایتم، و هیچ حسنه‌ای و کار نیکی پذیرفته نمی‌شود مگر به محبّتم، همانا من به اذن خداوند تبارک و تعالی از اندازه مدار افلاک چرخان آگاهم، به اذن خداوند عزوجل من به اندازه و وزن قطرات باران و شنهای برهم افراشته آگاهم، من همان کسی هستم که دوبار کشته می‌شوم و دوباره زنده می‌شوم و به اذن خداوند تبارک و تعالی به هر صورتی که می‌خواهم آشکار می‌شوم، همانا به اذن خداوند تبارک و تعالی به تعداد آفریده‌ها آگاهی دارم هر چند که تعداد آنان زیادتر شود، و به اذن خداوند تبارک و تعالی حساب رسان آنان می‌باشم. همانا هزار کتاب آسمانی پیامبران علیهم السلام در نزد من است، همانا من کسی هستم که هزار امّت ولایت او را انکار کردند و به خاطر همین خداوند تبارک و تعالی آنان را به چیز دیگری تبدیل (مسخ) نمود.

من همان کسی هستم که خداوند تبارک و تعالی نام مرا در کتابهای پیشین ذکر کرده است، و در آخرالزمان به اذن خداوند تبارک و تعالی قیام خواهم کرد، من به اذن خداوند تبارک و تعالی نابود کننده طغیانگران هستم و آنانرا به اذن خداوند از قبرهایشان برانگیخته و آنان را مجازات خواهم نمود و برای یغوث و یعوق، نسرا(نام مستعار اولی و دومی و سومی) عذابی بس شدید و دردناک خواهد بود. و همانا من به اذن خداوند تبارک و تعالی به هر زبانی و هر لغتی که باشد سخن می‌گویم،همانا به اذن خداوند تبارک و تعالی شاهد اعمال بندگان در شرق و غرب هستم، من محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله هستم و حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله و سلم) من هستم (یعنی هر دوی ما از یک نور و روح هستیم) من همان معنی هستم که هیچ کلمه‌ای مانند آن نیست. من دروازه بهشتم، ﴿**ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم**﴾ {و هیچ قوّتی و قدرتی و حولی نیست مگر به حول و قوت خداوند بلند مرتبه و بزرگ}.[۱]

نام چهارم: ایشان سرور و پادشاه کسانی می‌باشد که ایمان آوردند و به اینان فریب دادند. خداوند تبارک و تعالی درباره آنان می‌فرماید: ﴿**یُخادِعُونَ اللهَ وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ ما یَخْدَعُونَ إِلاّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما یَشْعُرُونَ**﴾ {می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند؛ (امّا) نمی‌فهمند}.[۲]

۵/۲۴: امام حسن عسکری علیه‌السلام در تفسیری منسوب به ایشان در مورد فرموده خداوند تبارک و تعالی ﴿**وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنّا بِاللهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنینَ**﴾ {گروهی از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم.» در حالی که ایمان ندارند}[۳] ایشان می‌فرماید: امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: همانا هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم را برای اعلام ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در روز غدیر خم که بین خاص و عام زبان زد و معروف و مشهور می‌باشد، نگاه داشت و فرمود: ای مردم ! نسب مرا بگوئید؟! مردم گفتند: شما محمّد فرزند عبدالله فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم فرزند عبدالمناف هستید.

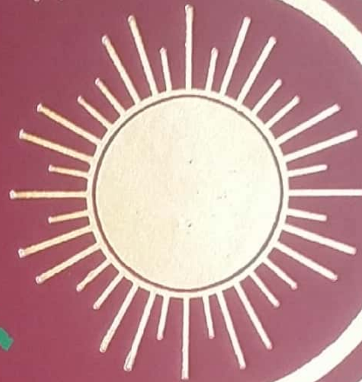
سپس فرمود: ای مردم! آیا من بر جانهای شما سزاوارتر از شما نیستم؟! همانا من سرور و پادشاه شما هستم! که بر جانهایتان سزاوارتر از شما بر جانهایتان هستم؟! عرض کردند: آری. در آن هنگام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سه بار عرضه داشت: خداوندا ! همانا من تو را گواه قرار می‌دهم که اینان چنین و چنان گفته‌اند. سپس فرمود: هر که من مولا و سرور و پادشاه و سزاورتر از اویم پس این علی بن ابیطالب علیه‌السلام سرور و مولا و پادشاه و سزاوارتر از او می‌باشد. خداوندا! دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکه او را دوشمن بدارد. و یار و یاور کسی باش که یار و یاور

---

۱ - مشارق الانوار الیقین: ص۳۱۹ الی۳۲۱

۲ - سوره مبارکه بقره: آیه شریفه ۹

۳ - همان: آیه شریفه ۸



مشارق أنوار اليقين

في حقائق أسرار أمير المؤمنين عليه السلام

تأليف

الحافظ رجب بن محمد بن رجب البرسي الحلي

(المتوفى حدود ٨١٣ هـ)

تحقيق

السيد جمال السيد عبد الغفار أشرف المازندراني

انتشارات

المكتبة الحيدرية

تعالىٰ حصباء النجف جوهراً، وجعله تحت أقدام المؤمنين، وتبايع[١] به للخلاف والمنافقين، ويبطل معه الياقوت الأحمر، وخالص الدر والجوهر، ألا وإنّ ذلك من أبين العلامات، حتى إذا انتهى ذلك صدق ضياؤه[٢]، [وسطع بهاؤه]، وظهر ما تريدون، وبلغتم ما تحبّون.

ألا وكم إلىٰ ذلك من عجائب جمة، وأمور ملمة، يا أشباه الأغنام[٣] وبهام الأنعام، كيف تكونون إذا دهمتكم رايات لبني كنام مع عثمان بن عنبسة[٤] من عراص الشام يريد بها أبويه، ويزوج بها أميه، هيهات أن يرى الحقّ أموي أم عدوي.

ثمّ بكى عليه السلام وقال: واها للأمم، المشاهدة[٥] رايات بني عتبة مع بني كنام السائرين أثلاثاً، المرتكبين جبلاً جبلاً مع خوف شديد، وبؤس عتيد، ألا وهو الوقت الذي وعدتم به، لأحملنّهم على نجائب، تحفّهم مواكب الأملاك[٦]، كأنّي بالمنافقين يقولون نصّ علي على نفسه بالربّانية، ألا فاشهدوا شهادة أسألكم بها عند الحاجة اليها، إنّ علياً نور مخلوق، وعبد مرزوق، ومن قال غير هذا فعليه لعنة الله ولعنة اللاعنين.

ثمّ نزل وهو يقول: تحصنت بذي الملك والملكوت، واعتصمت بذي العزّة والجبروت، وامتنعت بذي القدرة والملكوت، من كلّ ما أخاف وأحذر، أيّها الناس ما ذكر أحدكم هذه الكلمات عند نازلة أو شدّة إلّا وأزاحها الله عنه.

فقال له جابر: وحدها يا أميرالمؤمنين.

فقال: نعم وأضيف اليها الثلاثة عشر إسماً. وضمني ثمّ ركب ومضى.

فصل [١٥٠]

[ومن خطبة له عليه السلام يعرف فيها نفسه أولها «أنا عندي مفاتيح الغيب...»]

ومن خطبة له عليه السلام قال: أنا عندي مفاتيح الغيب، لا يعلمها بعد محمد رسول الله إلّا أنا،

---

(١) في «الأصل»: «وتتابع». (٢) في «الأصل»: «صباؤه».

(٣) في «م»: «الأعثام». (٤) في «الأصل»: «عتبة».

(٥) في «م»: «أما شاهدت». (٦) في «م»: «مراكب الأفلاك».

أنا ذو القرنين المذكور في الصحف الأولى ، أنا صاحب خاتم سليمان ، أنا ولي الحساب ، أنا صاحب الصراط والموقف ، أنا قاسم الجنة والنار [بأمر ربّي]، أنا آدم الأول ، أنا نوح الأول ، أنا آية الجبار ، أنا حقيقة الأسرار ، أنا مورق الأشجار ، أنا مونع الثمار ، أنا مفجر العيون ، أنا مجري الأنهار ، أنا خازن العلم ، أنا طور الحلم ، أنا أميرالمؤمنين ، [أنا عين اليقين ، أنا حجة الله في السماوات والأرض] ، أنا الراجفة ، أنا الصاعقة ، أنا الصيحة بالحق ، أنا الساعة لمن كذّب بها ، أنا ذلك الكتاب [الذي] لا ريب فيه ، أنا الأسماء الحسنى التي أمر "الله" أن يدعى بها ، أنا ذلك النور الذي يقتبس[١] منه الهدى ، أنا صاحب الصور ، أنا مخرج من في القبور ، أنا صاحب يوم النشور ، أنا صاحب نوح ومنجيه ، أنا صاحب أيوب المبتلى وشافيه ، أنا أقمت السماوات بأمر ربّي ، أنا صاحب إبراهيم ، أنا سرّ الكليم ، أنا الناظر في الملكوت ، أنا أمر الحي الذي لا يموت ، أنا ولي الحقّ على سائر الخلق ، أنا الذي لا يبدل القول[٢] لديّ ، وحساب الخلق اليّ ، أنا المفوض إليّ أمر الخلائق ، أنا خليفة الإله الخالق ، أنا سرّ الله في بلاده ، وحجّته على عباده ، أنا أمر الله والروح ، كما قال سبحانه وتعالىٰ : ﴿**ويسألونك عن الروح قل الروح من أمر ربّي**﴾[٣] أنا أرسيت الجبال الشامخات ، وفجّرت العيون الجاريات ، أنا غارس الأشجار ، ومخرج ألوان الثمار[٤] ، أنا مقدر الأقوات ، أنا منشر[٥] الأموات ، أنا منزل القطر ، أنا منوّر الشمس والقمر والنجوم ، أنا قيم القيامة ، أنا مقيم[٦] الساعة ، أنا الواجب [له] من الله الطاعة "أنا حي لا أموت وإذا متّ لم أمت" ، أنا سرّ الله المخزون ، أنا العالم بما كان وما يكون ، أنا صلوات المؤمنين وصيامهم ، أنا مولاهم وإمامهم ، أنا صاحب النشر الأول والآخر ، أنا صاحب المناقب والمفاخر ، أنا صاحب الكواكب ، أنا عذاب الله الواصب ، أنا مهلك الجبابرة الأول ، أنا مزيل الدول ، أنا صاحب الزلازل والرجف ، أنا صاحب الكسوف والخسف[٧] ، أنا مدمّر الفراعنة بسيفي هذا ، أنا الذي أقامني الله في الأظلّة ودعاهم إلىٰ طاعتي فلمّا ظهرت أنكروا ، فقال الله سبحانه :

---

(١) في « م » : « اقتبس ». (٢) في « م » : « القوم ». (٣) سورة الإسراء : ٨٥.
(٤) في « م » : « الالوان والثمار ». (٥) في « م » : « ناشر ».
(٦) في « م » : « القيم ». (٧) في « م » : « الخسوف ».

﴿**فلمّا جاءهم ما عرفوا كفروا به**﴾[١] أنا نور الأنوار، أنا حامل العرش مع الأبرار، أنا صاحب الكتب السالفة، أنا باب الله الذي لا يفتح لمن كذّب به ولا يذوق الجنة، أنا الذي تزدحم الملائكة على فراشي، وتعرفني عباد أقاليم الدنيا، أنا الذي ردّت لي الشمس مرتين، وسلّمت عليّ كرتين، وصلّيت مع رسول الله القبلتين، وبايعت البيعتين، أنا صاحب بدر وحنين، [أنا الطور]، أنا الكتاب المسطور، أنا البحر المسجور، أنا البيت المعمور، أنا الذي دعا الله الخلائق إلىٰ طاعتي فكفرت، وأصرت فمسخت، وأجابت أمة فنجت[٢] وأزلفت، أنا الذي بيدي مفاتيح الجنان ومقاليد النيران، [كرامة من الله]، أنا مع رسول الله في الأرض وفي السماء، أنا المسيح حيث لا روح يتحرّك ولا نفس يتنفّس غيري، أنا صاحب القرون الأولى، أنا الصامت ومحمد الناطق، أنا جاوزت بموسى[٣] في البحر وأغرقت فرعون وجنوده، أنا أعلم هماهم البهائم ومنطق الطير، أنا الذي أجوز السماوات السبع والأرضين السبع [في] طرفة عين، أنا المتكلّم على لسان عيسى في المهد، أنا الذي يصلّي عيسى خلفي، أنا الذي أنقلب في الصور كيف شاء الله، أنا مصباح الهدى، أنا مفتاح التقى، أنا الآخرة والأولى، أنا الذي أرى أعمال العباد، أنا خازن السماوات "السبع [والأرض] بأمر ربّ العالمين، أنا القائم بالقسط، أنا ديّان الدين أنا الذي لا تقبل الأعمال إلّا بولايته[٤]، ولا تنفع الحسنات إلّا بحبّه[٥]، أنا العالم بمدار الفلك الدوار، أنا صاحب مكيال قطرات الأمطار ورمل القفار باذن الملك الجبار، ألا أنا الذي أقتل مرّتين وأحيي مرّتين وأظهر كيف شئت، أنا محصي الخلائق وإن كثروا، أنا محاسبهم [بأمر ربّي]، أنا الذي عندي ألف كتاب من كتب الأنبياء، أنا الذي جحد ولايتي ألف أمة فمسخوا، أنا المذكور في سالف الزمان[٦] والخارج في آخر الزمان، أنا قاصم الجبارين في الغابرين، ومخرجهم ومعذّبهم في الآخرين، "أنا معذّب" يغوث ويعوق ونسراً عذاباً شديداً، أنا المتكلّم بكلّ لسان، أنا الشاهد لأعمال الخلائق في المشارق والمغارب، "أنا محمد

---

(١) سورة الإسراء: ٨٥. (٢) في «الأصل»: «فنجت لي».
(٣) في «الأصل»: «موسى». (٤) في «م»: «ولايتي».
(٥) في «م»: «بحبّي». (٦) في «م»: «الأزمان».

ومحمد أنا" [أنا صهر محمد]، أنا المعنى الذي لا يقع عليه اسم ولا شبه، أنا باب حطّة، ولا حول ولا قوة إلّا بالله العلي العظيم.

فصل [١٥١]

[تفسير الإمام الصادق عليه السلام لبعض فقرات الخطبة]

قال الصادق عليه السلام: الآيات التسع[١] التي ذكرها أميرالمؤمنين عليه السلام هي أسماء الأئمة من ذريّة الحسين عليه السلام، وإنّ هذا الأمر يصير إلىٰ من تلوى إليه أعنة الخيل من الآفاق، وهو المظهر على الدين كلّه ومالك قافاتها وكافاتها ودالاتها، وهو المهدي عليه السلام.

قال: وشرح ما قاله أميرالمؤمنين عليه السلام على الإختصار.

قال: « أنا دحوت أرضها » معناه: إنّ[٢] عترته تسكن الأرض.

وقوله: « أنا أرسيت جبالها » معناه: إنّه وعترته الآمان من الغرق وإنّهم الجبال الرواسي.

وقوله: « أنا فجّرت عيونها » لأنّ الأئمة من عترته هم ينابيع العلم والحكم.

وقوله: « أينعت ثمارها » إشارة إلىٰ عترته.

وقوله: « أنا غرست أشجارها » إشارة إلىٰ أنّ الأئمة من عترته هم شجرة طوبى وسدرة المنتهى.

وقوله: « أنا أنشأت سحابها » إشارة إلىٰ عترته؛ لأنّهم الغيث الهامل[٣].

وقوله: « أنا أسمعت وعدها » معناه أنا أنبت العلم.

وقوله: « أنا نورت برقها » لأنّ عترته نور العباد والبلاد.

وقوله: « أنا البحر الزاخر » معناه بالعلم.

وقوله: « أنا شيدت أطوادها » معناه شيّدت الدين.

وقوله: « أنا قتلت مردة الشياطين » يعني أهل الشام.

وقوله: « أنا أشرقت قمرها وشمسها وأجريت فلكها » المراد الأئمة لأنّهم[٤] الشموس

---

(١) في « م »: « السبع ». (٢) في « م »: « إنه و ». (٣) في « الأصل »: « الحامل ».

(٤) في « م »: « فهم ».